

## نقد و معرفی کتاب

### «الأنس والعُرس» ابوسعده آوی

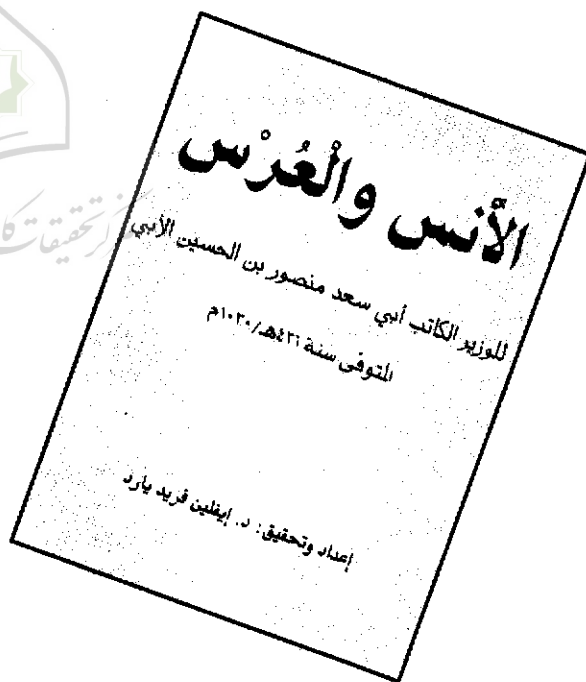
مرتضی ذکایی ساوی

ابوسعده منصور بن حسن بن حسین آوی (=آبی) فقیه، محدث، شاعر، تاریخ‌نگار و دولتمرد شیعی در اوایل قرن پنجم هجری است که در حدود نیمه سده چهارم هجری قمری، در آوة ساوه زاده شده، اوایل عمر را در همانجا زیسته و مقدمات علوم را هم در آنجا فرا گرفته است. وی بعدها در اوج شکوفایی علمی خویش به وزارت دولت ابوطالب مجدالدوله رستم بن فخرالدوله دیلمی (۳۸۷-۴۲۰ق / ۹۷۷-۱۰۲۷م) رسید که مدت‌ها بر ری حکومت داشت، و از سوی او وزیر کبیر، ذی‌المعالی و زین‌الکفاة لقب یافت.

آوی یک وزیر شیعه مذهب بوده است، اما در دوران وزارت خود فعالیت مهم سیاسی که باعث شهرت وی شود انجام نداده است. مورخان و زیست‌نگاران معاصر آوی و دیگران، وجهه مهم و برجسته زندگی او را در وزارت او ندانسته‌اند بلکه از وی به عنوان یک دانشمند و ادیب یاد کرده‌اند.

برادر وی ابومنصور آوی نیز از دانشمندان دوران بود و سال‌ها بر مسند وزارت ملوک طبرستان بود. عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص (تألیف سال ۵۵۶-۵۵۶هـ) درباره این دو برادر چنین نوشته است: «استاد ابومنصور و برادرش ابوسعده وزیران محترمی بودند از آبه، و جاه و تمکین و رفعت ایشان از آفتاب ظاهرتر است... و بنادر رازی را در مدح این دو برادر وزیر بیست و هفت قصیده غرّاست»<sup>۱</sup>.

۱. نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی: **نقص**، معروف به «بعض مثالب النواصب فی نقص بعض فضائح الروافض» تصحیح میرجلال‌الدین محدث ارموی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۱۹.



الأنس والعُرس، للوزير الكاتب أبي سعد منصور بن الحسين الأبي (المتوفى سنة ۴۲۱هـ) اعداد و تحقيق اينليلين فرید یار د، دمشق، دارالنمير، الطبعة الاولى ۱۹۹۹م، ۴۸۷ص.

بر اساس آنچه در منابع و متون کهن تاریخی آمده، ابوسعید آوری چند اثر بزرگ تألیف کرده است:

۱. کتاب تاریخ ری: متأسفانه تاکنون نسخه‌ای از این کتاب ارزشمند شناخته نشده است. ابومنصور ثعالبی معاصر آوری درباره این کتاب گفته: «لَه من المصنفات کتاب التاریخ الذی لم یسبق الی تصنیف مثله»<sup>۲</sup> یعنی تا آن زمان چنین کتابی تصنیف نشده بود. یاقوت حموی صفحاتی چند از این کتاب را در معجم الادبای نقل کرده است.<sup>۳</sup> مؤلف مجمل التواریخ تحت عنوان «ذکر تواریخ آل بویه و بعضی اخبارشان گفته: «ومن این تاریخ از مجموعه بوسعید آوری بیرون آوردم»<sup>۴</sup> رافعی قزوینی در اثر بزرگ خود «التلویین» ضمن ترجمه حال صاحب بن عبّاد گفته: «و ذکره ابوسعید الآبی فی کتابه فی اخبار الری فقال قد انقض بموته»<sup>۵</sup>.

۲. نزهة الادیب: کتاب بسیار مفصلی بوده که متأسفانه آن هم تاکنون شناخته نشده است.

۳. نشر الدر: کتابی است بزرگ در باب نوادر، نکته‌ها و ظرایف تاریخی و ادبی. نگارنده این مقاله سال‌ها پیش (۱۳۷۲) در مجله آینه پژوهش (سال چهارم، ش ۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «ابوسعید آوری و نشر الدر» ضمن معرفی مبسوط ابوسعید آوری، به نقد و بررسی کتاب نشر الدر پرداخته است.<sup>۶</sup> نشر الدر بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ م. در هفت جلد از سوی «الهیئة المصریة العامة للکتاب» به همت برخی از محققان بزرگ مصری به چاپ رسیده است. [جلد اول با مقدمه و تحقیق محمدعلی قرنه و مراجعه علی محمد البجاوی در سال ۱۹۸۱ م، جلد دوم و سوم نیز با تحقیق و مراجعه همان‌ها در سال ۱۹۸۳ و ۱۹۸۱ م، جلد چهارم با تحقیق محمدعلی قرنه و مراجعه دکتر حسین نصار در سال ۱۹۸۵ م، جلد پنجم با تحقیق محمد ابراهیم عبدالرحمن و مراجعه علی محمد البجاوی در سال ۱۹۸۷ م، جلد ششم، قسمت اول با تحقیق سیده حامد عبدالعال و مراجعه دکتر حسین نصار در سال ۱۹۸۹ م، جلد ششم، قسمت دوم با تحقیق و مراجعه همان‌ها در سال ۱۹۸۹ م، و جلد هفتم با تحقیق سید منیر محمد مدنی در سال ۱۹۹۱ م در قاهره به چاپ رسیده است.]

گزیده‌هایی از هر کدام از مجلدات نشر الدر نیز اخیراً در دمشق توسط انتشارات وزارة الثقافة سوریه با مقدمه و تعلیقات مظهر الحجتی به چاپ رسیده است.<sup>۷</sup> آقای «أون» آلمانی نیز سال‌ها قبل پیش از چاپ نشر الدر مقاله‌ای در معرض این کتاب در مجله انجمن شرقشناسی آلمان (ج ۵۴، ص ۲۴-۷۵) نگاشته است.<sup>۸</sup> آقای منیر محمد مدنی در مقدمه جلد هفتم نکته جدیدی را متذکر شده‌اند که جزء هفتم نشر الدر در سال ۱۸۸۳ م در تونس با تحقیق دکتر عثمان بوغانجی به چاپ رسیده است و در واقع تصحیح و

تحقیق این جلد نشر الدر رساله دکترای وی بوده است. آقای منیر محمد مدنی مقایسه‌ای کوتاه بین تحقیق خود و تحقیق دکتر بوغانجی در مقدمه جلد هفتم چاپ قاهره انجام داده است.

۴. کتاب الانس والعرس: از این کتاب که تاکنون تنها نامی از آن شناخته بود، خوشبختانه در چند سال اخیر به همت محقق سترگ و سخت کوش و کم ادعا آقای دکتر ایفلین فرید بارد، نسخه‌ای از آن شناخته شده و با روشی علمی و متقن تصحیح و تحقیق شده و در سال ۱۹۹۹ م توسط انتشارات دارالنمیر دمشق در سوریه به چاپ رسیده است. محقق در مقدمه اطلاعات زیادی درباره خود نداده است، اما از «التمهید» او بر کتاب چنین برمی‌آید که وی دانش آموخته رشته ادبیات عرب در دانشگاه قدیس یوسف دمشق است و این نسخه را تحت اشراف و راهنمایی استادانی چون دکتر جمیل علوش، دکتر اهیف سنو، دکتر ولیم خازن و دکتر عادل فریجات تصحیح و تحقیق کرده است. (ص ۹)

الانس والعرس چنان‌که بعداً نیز خواهیم دید کتابی است که به شکل موضوعی مرتب شده و درباره هر موضوع ابوسعید آوری اشعار مناسب و نادری از شاعران عرب از عهد جاهلی گرفته تا زمان خود آورده است.

محقق کتاب نخست برای هر قطعه شماره‌ای نهاده است و بحر عروضی اشعار هر قطعه را در بالای آن ذکر کرده، آن‌گاه شاعر یا گوینده را که نام وی در متن اثر درج نشده در پاورقی‌ها برای بار نخست به اختصار شناسانده و منابع شعر را در دواین مختلف ذکر کرده است. لغات غامض را با استفاده از فرهنگ لغت‌های معتبر شرح کرده، و در پایان فهراس فنی را مشتمل بر فهرست آیات قرآن، احادیث نبوی، اقوال مأثور، اسامی شعرا، اعلام، شعرا، وزن‌های عروضی و قوافی و سرانجام فهرست موضوعی سامان داده است.

۲. ابومنصور عبدالملک ثعالبی نیشابوری: تمهة بقیمة الدر، به تصحیح دکتر

مفید قیحه، دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۹۸۳ م، ج ۵، ص ۱۲۰.

۳. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم الادبای، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۶، ص ۲۳۸-۲۴۹.

۴. مجمل التواریخ والقصص، ص ۴۰۴.

۵. عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، التلویین فی اخبار قزوین، تحقیق شیخ عزیزالله عطاردی، دارالکتب العلمیه، بیروت-لبنان، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۹۵.

۶. مرتضی ذکایی ساوی: ابوسعید آوری و نشر الدر، (مندرج در) آینه پژوهش، سال چهارم، ش ۲۰، مرداد-شهریور ۱۳۷۲، ص ۳۸-۳۱.

۷. من نشر الدر، ابوسعید آوری، اختار النصوص وقدم لها وعلق علیها: مظهر الحجتی، منشورات وزارت الثقافة (المختار من التراث العربی) فی الجمهوریة العربیة السوریة، دمشق، ۱۹۹۷ م.

8. C. Brockelman: Geschichte Der Arabischen Littrature, SI. 429.

من عبده الآبی مع  
طیه القیاد بلا ایاء<sup>۹</sup>

به غیر از همه این‌ها آنچه که صراحتاً و قاطعانه تأکید دارد که این نسخه خطی کتاب الانس والعرس آوی است نه انس الوحید تعالی، مقدمه خود مؤلف در ورقه اول از نسخه خطی است که تصریح کرده: «واستخرت الله وجمعت هذا المجموع وسميته الانس والعرس». (مخطوط، برگ ۱)

محقق کتاب از خود پرسیده است: معنی الانس والعرس چیست و چرا آوی این عنوان را برای کتاب برگزیده است؟ سپس خود پاسخ داده «الانس یا الإنس یا الأُنس به معنای استئناس و طمأنینته و آرامش خاطر و سکون و این‌ها ضد وحشت و نفور هستند. و از معانی عرس مانده کثیره است؛ یعنی خوراکی‌های متنوع، پس این معانی برای کتاب او که برای لطیف سازی اوقات در نشست‌های دوستانه است، مناسب است. علاوه بر آن مطالب کتاب غذایی برای روح با فوائدی برای عقل است. (ص ۳۶، مقدمه)

#### تحقیق در منابع شناخت آبی (=آوی)

محقق کتاب آقای ایفلین فرید یارد در مقدمه تحقیقی درباره شرح زندگی مؤلف و ترسیم صورتی از وضع سیاسی دوران زندگی او در دولت بویه بیان انجام داده است (ص ۸) و سپس بحثی در خصوص شعر و نثر آبی و نیز پایه و جایگاه آن‌ها در ادبیات عرب مطرح کرده است. وی هنگامی که منابع و مصادر شناخت ابوسععد آبی را ذکر کرده است از متقدمان: یتیمه الدهر تعالی (۴۲۹ق)، دمیه القصر باخرزی (۴۶۷ق) معجم البلدان یاقوت حموی (۶۲۶ق)، عیون التواریخ ابن شاکر کتبی (۷۶۴ق) [او همان کسی است که اول بار کتاب الانس والعرس را به ابوسععد آوی نسبت داده است]، فوات الوفیات ابن شاکر کتبی، الوافی بالوفیات صفدی (۷۶۴ق) و از متأخران امل الآمل عاملی (۱۱۰۴ق)، کشف الظنون حاجی خلیفه (۱۰۶۷ق)، هدیه العارفین بغدادی (۱۳۳۹ق) و اعیان الشیعه محسن الامین (۱۳۷۱ق)، الذریعه شیخ آغابزرگ طهرانی (۱۳۳۸ق)، و الاعلام خیرالدین زرکلی (۱۳۷۷ق)، معجم المؤلفین عمر رضا کحّاله (۱۳۹۵ق) و تاریخ الادب العربی کارل بروکلمان و معجم الاعلام بسّام عبدالوهاب الجابی را نام برده است. به نظر می‌رسد او از منابع مهمی همچون النقض عبدالجلیل قزوینی (۵۵۶ق) و معجم الادبای یاقوت حموی و التدوین رافعی

نسخه خطی اساس محقق کتاب تنها یک نسخه نفیس و منحصر به فرد در کتابخانه ملی پاریس (با شماره ۳۳۰۴) است که بر روی یک ورقه آن به خطی غیر از خط اصلی نام آن «أنس الوحید» و مؤلف آن تعالی ذکر شده است. وی از طریق مطالعه کتاب «تاریخ التراث العربی» دکتر فواد سزگین این نسخه را شناخته است. و پس از مطالعه و تحقیق و تفحص بسیار بر روی نسخه برای او ثابت شده که نسخه برخلاف نامی که کاتب بر آن گذاشته است کتاب الانس والعرس تألیف ابوسععد آوی است نه الانس الوحید تعالی، و دلایل خود را در دو قسمت دلایل داخلی از خود نسخه و دیگر دلایلی از خارج نسخه در مقدمه باز گفته است. از جمله دلایل داخلی از خود نسخه ایاتی است که از ابو محمد مخزومی معروف به ابن نباته معاصر آوی نقل شده و مؤکداً به ابوسععد آوی و برادرش ابومنصور وزیر دلالت و اشاره دارد.

ساعت سبّ آبی سعد مُراسلة

تساویان کحّفی أخرج نّاج

... فز دتّما بضیاء فی النهار إذا

حبت و أشرفتّما فی لیلة الداجی

(الانس والعرس، برگ ۷۸)

از دلایل دیگر قصیده است که مؤلف به آن عنوان «وللصفی ابی العلاء ابن حسّون الینا» داده و آن قصیده ای است در ۱۹ بیت از دوست و یار نزدیک آوی «ابی العلاء ابن حسّون همدانی رازی» (متوفی سال ۴۵۰ق) که خطاب به دو برادر وزیر ابوسععد و ابومنصور است:

یا ناظری عین الزمان قررّتها

و مشیدتی رکن الفعّال سلمتّما

... وسعدتّما بالمهرجان غنیتّما

ما شاق تغرید الحمام متیمّا (ص ۳۳۸)

تعالی در تتمه یتیمه الدهر به دوستی ابوالعلاء ابن حسّون با آوی اشاره کرده و اشعاری از آوی خطاب به او در وصف سرمای فیروزکوه نقل کرده است:

یا کاتبی التّی الدوأة

و قُط حافیة الّآباء

ارهف یراعتک التّی

تزری مضاء القضاء

واکتب لسیدنا صفی ال

- حضرّتین ابی العلاء

۹. تتمه یتیمه الدهر (پیش گفته)، ج ۵، ص ۱۲۲.

قزوینی، مجمل التواریخ، تلخیص الآداب فی مجمع الآلقاب  
ابی فوطی، مجمع التواریخ حافظ ابرو از متقدمان، و نیز از  
تحقیقات متأخران از مقاله اون آلمانی و حواشی ارزشمند و  
مفصل استاد فقید سید جلال الدین محدث ارموی بر فهرست  
منتجب الدین<sup>۱۰</sup> و النقص<sup>۱۱</sup> و موارد دیگر بی اطلاع بوده است.  
نکته دیگر این که آقای ایفلین فرید یارد در صفحه ۱۸ مقدمه  
شیخ طوسی را از استادان ابوسعده آوی ذکر کرده است:

«اما شیوخه فقد عرفنا منهم الطوسی و هو محمد بن حسن بن  
علی فقیه الشیعه و مصنفهم» آن گاه در صفحه ۳۶ مقدمه کتاب،  
شیخ طوسی را از شاگردان آوی خوانده است. «والمعروف آن  
الشیخ أباجعفر طوسی هذا من تلامذة الأبی کما تقدم» و آن گاه به  
کتاب امل الأمل العاملی ارجاع داده است (ج ۲، ص ۲۷).

در این جا تأملی باید که نخستین کسی که شیخ طوسی را  
استاد ابوسعده آوی خوانده است شیخ منتجب الدین علی بن  
بابویه رازی (در قرن ششم هجری) بوده است. با توجه به این که  
شیخ طوسی (متولد سال ۳۸۵ق در طوس) در سال ۴۰۸ق یعنی  
در بیست و سه سالگی در بغداد رحل اقامت افکنده است و تا  
پایان عمر در عراق بوده و در سال ۴۶۰ق در نجف در گذشته  
است، معلوم نیست که تا چه حد می توان با این قول موافق بود  
که ابوسعده آوی کهن سال در دوران جوانی شیخ طوسی شاگرد او  
باشد؟ علاوه بر آن، خود آوی در آثار خود تا جایی که نگارنده  
اطلاع دارد، در هیچ کجا ذکری از شیخ طوسی به میان نیاورده  
است. اما استفاده وی از شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) محرز است.  
زیرا هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ مکانی استفاده آوی از شیخ  
صدوق که سال ها در ری سکونت داشته است، منطقی و صواب  
می نماید. مضافاً این که آوی از شیخ صدوق روایت کرده است.  
شیخ آقابزرگ طهرانی روایت آوی را از شیخ صدوق نقل کرده  
است.<sup>۱۲</sup> محدث نوری (ره) در فایده سوم از خاتمه مستدرک  
ضمن ذکر مشایخ محمد بن احمد بن الحسن النیشابوری ملقب  
به مفید به نکته ای که در بالا به نظر ما رسیده بود، اشاره کرده  
است: «هذا السند مما یغتنم فیما بین الطرق من جهة العلو و ربما  
یستغرب فی بادی النظر فان الذی کان یقرأ علی أبی جعفر  
الطوسی کیف یروی عن الصدوق المتقدم علیه بطبقتین؟»  
(ص ۴۸۸-۴۸۹).

#### منابع و مصادر «الانس والعرس»

چنان که در بخش های بعدی مقاله خواهیم دید، کتاب الانس  
والعرس حاوی اشعار بسیار زیبا و بعضاً نادر از شاعران عرب از  
عهد جاهلی پیش از اسلام گرفته تا زمان خود ابوسعده آوی

است. آیا آوی به این همه دواوین شاعران دسترسی داشته است؟  
مسئلاً جواب منفی است. خود وی در مقدمه کتاب گفته وی  
مجموعه های بزرگ و زیادی را در دست داشته که این گونه  
اشعار را یکجا جمع آوری کرده و در خود داشتند. «فقد رأیت أن  
جماعة من ذوی الهمم جمعوا اشیاء کثیره من الآداب والحکم  
وسبوا المجلدات فی الشعر والنوادر والحکایات، فاستخرت  
الله تعالی، و جمعت هذا المجموع اللطیف وسمیته کتاب  
الانس والعرس» (ص ۴۱). یعنی دیدم جمعی از صاحب همتان  
که مجموعه های بزرگ درباره آداب و حکم گردآوری کرده اند و  
آن ها را در قالب مجلداتی در شعر و نوادر حکایت سامان  
داده اند ...».

بر این اساس محقق کتاب احتمال داده که آوی از چند کتاب  
مشابه موضوع الانس والعرس که معاصر و یا قبل از آن تألیف  
شده اند، بهره برده باشد. یکی از این کتاب ها «الصداقه  
والصدیق» تألیف ابو حیان توحیدی است. بسیاری از اشعاری که  
در الانس والعرس آمده است پیش از آن در الصداقه والصدیق نیز  
درج شده است. این کتاب با مقدمه و تحقیق دکتر ابراهیم  
گیلانی در دمشق به چاپ رسیده است. و نیز کتاب «مجموعه  
المعانی» از مؤلفی نامعلوم که ابواب زیادی از آن با ابواب الانس  
والعرس شباهت دارد، ممکن است مورد استفاده آوی قرار  
گرفته باشد، این کتاب نیز با تحقیق و مقدمه استاد عبدالمعین  
ملوحی در دمشق به چاپ رسیده است. در «الفهرست» ابن ندیم  
(۳۸۵ق) در این باب کتاب دیگری با نام «الصدیق والصداقه»  
تألیف ابن خمار (ولادت ۳۳۱ق، وفات: نامعلوم) ذکر شده  
است که شاید مورد استفاده آوی قرار گرفته است. (التدیم،  
الفهرست، ص ۳۲۳).

برخی اشعار نقل شده توسط آوی هم به نظر می رسد از منابع  
شفاهی به او رسیده باشد. مثلاً جایی در نقل شعری از صاحب  
بن عباد گفته: «انشدنی الصاحب لنفسه: سپس روایت از صاحب  
بن عباد نقل کرده است» (ص ۴۴۳) که حتی در دیوان چاپ شده  
صاحب بن عباد (طبع بغداد، تحقیق شیخ محمد آل یاسین) نیز  
نیامده است. مثال دیگر اشعار نقل شده از ابراهیم بن عباس

۱۰. الفهرست، شیخ منتجب الدین علی بن بابویه رازی، تحقیق، مقدمه و  
حواشی از مرحوم دکتر سید جلال الدین محدث ارموی، کتابخانه  
حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۱۵-۳۱۷.
۱۱. میر جلال الدین حسینی ارموی: تعلیقات النقص، تهران، انتشارات  
انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۷۵۵-۷۶۵.
۱۲. شیخ آقابزرگ طهرانی، الثابس فی القرن الخامس، چاپ یکم، بیروت،  
دارالکتاب العربی ۱۳۹۱ق، ص ۱۹۶.

مطالب بر ارزش و پر باری الانس و العرس بارها افزوده است. مثلاً باب دوم کتاب: «اختیار مودة الابرار و تجنب الاشرار» با روایتی از رسول خدا آغاز شده است: «رؤی عن ابن عباس انه قال: قيل يا رسول الله ای جلساتنا خیر؟ قال: من دُكرکم باللله رؤیته وزاد فی علمکم منطقه و ذکرکم بالآخره عمله» (ص ۵۳) ابن عباس روایت کرده است که از رسول خدا پرسیده شد از دوستان و هم نشینان ما کدام بهترند؟ فرمود: کسی که دیدار او شما را به یاد خدا بیندازد و منطق او علم شما را زیاد کند و عمل او آخرت را به یاد شما آورد.»

و نیز رسول خدا فرمود: «دین المرء علی دین خلیله، فلینظر أحدکم من یحال»<sup>۱۴</sup> دین انسان بر پایه دین دوست اوست. پس هر یک از شما نیک بنگرد که با که دوست می شود.

آنگاه آوی در این باره اشعار شاعران را نقل کرده است: قال طرفه بن العبد:<sup>۱۵</sup>

عن المرء لا تسأل وسئل عن قرینه

فکل قرین بالمقارن یقتدی (ص ۵۴) «طویل»

یعنی: از حال مرد سؤال نکن، بلکه از دوست او پرس. زیرا هر کس با هم نشین خود قرین و همراه است و به او اقتدا کند.

و یروی لزید بن علی - علیهما السلام<sup>۱۶</sup>

۱. ابنی اما أفقدن فلاتکن

دنس الفعّال میبض الاثواب «الکامل»

۲. واحذر مصاحبة اللثام قریما

أردی الکریم فسؤلّه الاصحاب (ص ۵۴)

وأنشد ثعلب:<sup>۱۷</sup>

۱. اخوک الذی إن سرک الامر سره

وإن ناب أمر ظل وهو حزین «طویل»

۱۳. ابو عمر القرطبی، بهجة المجالس و انس المجالس، تحقیق محمد الخولعی، ج ۱، ص ۴۳.

۱۴. محی الدین، ابوزکریا النووی، ریاض الصالحین، شرح دکتر صبحی صالح، ج ۱، ص ۲۴۷. [حدیث شماره ۳۶۵].

۱۵. طرفه بن عبد شاعر جاهلی از قبیله بکر و از شاعران معلقات سبع است. در جوانی به دست عمرو بن هند علی البحرین به قتل رسید. دیوان او با تحقیق دریه خطیب و لطفی صقّال در سال ۱۹۷۵ در دمشق به چاپ رسیده است.

۱۶. زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، به او زید شهید لقب داده اند. طایفه زیدی به او منسوبند. در سال ۱۲۲ق در کوفه به قتل رسید. (زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۵۹)

۱۷. ابو العباس احمد بن یحیی بن زید شبلی مشهور به ثعلب، استاد نحو و لغت در کوفه بود. از آثار او قواعد الشعر، و شرح دیوان زهیر بن ابی سلمی است. در سال ۲۹۱ق در بغداد درگذشته است. (زرکلی، الاعلام، ج ۱، ص ۲۶۷؛ فؤاد سید، معجم الالقاب و الاسماء المستعارة، ص ۶۶).

صولی است که آوی گفته این اشعار منسوب به اوست که در دوستی با محمد بن عبدالملک زیات سروده است. (ص ۲۸۵) یکی از نکات برجسته در تحقیق مصحح سخت کوش کتاب این است که وی بیش تر شاعرانی را که ابوسعد آوی شعری از ایشان نقل کرده به شکل دقیق شناسانده است و البته گاهی این امر در همه موارد برای او ممکن نبوده است. فی المثل عمر بن مره الازدی را نتوانسته شناسایی کند. (ص ۱۵۱)

### ارزش های الانس و العرس

الانس و العرس از چند جنبه اثری نفیس و منحصر به فرد است. یکی از آن جهت که ابیاتی از برخی شاعران در آن درج شده است که در هیچ جای دیگر درج نشده است. حتی در دواوین تحقیق شده از شاعران مذکور در الانس و العرس جای بسیاری از اشعاری که در این کتاب آمده خالی است. از جمله ۷۴ بیت از اشعار ابی علی البصیر که در الانس و العرس هست و در دیوان او نیست. ۱۳ بیت از اشعار محمد بن هازم باهلی که در الانس و العرس هست و در دیوان چاپ شده او با تحقیق محمد خیر البقاعی نیست. هفده بیت از اشعار ابی العتاهیه که در دیوان چاپ شده او با تحقیق شکری فیصل نیست. هشت بیت از مردان بن ابی حفص که در این کتاب هست و در دیوان چاپ شده او با تحقیق حسین عطوان نیست. چهار بیت از علی بن الجهم که در دیوان او با تحقیق خلیل مردم بک نیست. چهار بیت از شعر محمود الوراق که در دیوان او به تحقیق ولید قصاب نیامده است، و بسیاری موارد دیگر. گذشته از این ها نکته ای که محقق کتاب به آن اشاره کرده این است که با استفاده از الانس و العرس می توان بسیاری از اشعار مغلوط، یا ناقص یا مختل الوزن در دواوین بعضی شاعران را تصحیح کرد. مثلاً این بیت در دیوان ابی تمام (ص ۴۷۰ طبع الحاروی) چنین ذکر شده است.

ولم تنظم العقد الکعاب لزینه

کما تنظم الشمع الشّیت الشّمائل

در صورتی که صورت صحیح آن که در الانس و العرس آمده است در مصراع دوم (الشمل) است و نه الشمع. (ص ۴۰)

### سبوری در الانس و العرس

ابوسعد آوی این کتاب را در ۳۴ باب تألیف کرده است و برای هر فصل عنوان جداگانه ای نهاده و درباره آن عنوان ابتدا آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، یا روایات اهل بیت (ع) یا ظرائفی از ادبای بزرگ را نقل کرده و آن گاه اشعار شاعران عرب را از عهد جاهلی تا زمان خود درباره آن موضوع ذکر کرده است. این تنظیم موضوعی

يُقَرَّبَ مَنْ قَرَّبَتْ مَنْ ذِي مَوَدَّةٍ

وَيُقْصَى الَّذِي أَقْصَيْتَهُ وَيُهَيَّنَ (ص ۵۵)

قال لقمان: «ثلاثة لا يعرفون إلا مع ثلاث: لا يعرف الحكيم عند الغضب، ولا الشجاع إلا في الحرب ولا أخوك عند حاجتك إليه»  
لقمان (لقمان بن عاد بن ملطاط از قوم بنی وائل و شاعر جاهلی است. او غیر از لقمان حکیم مذکور در قرآن کریم است) ۱۸  
گفت: سه گروه شناخته نشوند مگر با سه چیز: شناخته نشود حکیم مگر هنگام خشم، و شجاع مگر هنگام جنگ، و برادرت مگر موقع نیاز تو به او.

و سرود:

وَمَا النَّاسَ إِلَّا اثْنَانِ: هَذَا مُوَكَّلٌ

بِمَا يُعْجِبُ الْإِخْوَانَ إِنْ قَالَ أَوْ فَعَلَ «الطويل»

فَيَزَلُ مَحْمُودًا إِذَا حَلَّ بِلَدَّةٍ

وَيُرْحَلُ مَحْمُودًا إِذَا قِيلَ قَدْ رَحَلَ

وَأَمَّا الَّذِي لَا خَيْرَ فِيهِ وَآتَهُ

وَإِنْ أَطْعَمَ السُّلُوبَ وَإِنْ عَقَّ الْعَسَلَ (ص ۶۰)

...

عبيدالله بن عبدالله بن مسعود: ۱۹

أَخْلَاءُ الرَّخَاءِ هُمْ كَثِيرُ «الوافر»

وَلَكِنْ فِي الْبَلَاءِ قَهْمٌ قَلِيلٌ

فَلَا تَغْرُرْكَ خَلَّةٌ مَنْ تَوَاحَى

فَمَا لَكَ عِنْدَ نَائِبِهِ خَلِيلٌ (ص ۶۱)

باب سوم کتاب «مواساة الاخوان و مساعدتهم» نام دارد.

(ص ۶۷)

ابراهيم بن عباس: ۲۰

وَلَكِنْ الْجَوَادُ أَبَاهِشَامُ «الوافر»

صَحِيحُ الْجَيْبِ مَأْمُونُ الْمَغِيبِ

بَطِيءٌ عَنكَ مَا اسْتَغْنَيْتَ عَنْهُ

وَاطَّلَعَ عَلَيْكَ مَعَ الْخُطُوبِ (ص ۶۸)

بشار: ۲۱

خَيْرُ إِخْوَانِكَ الْمَشَارِكُ فِي الْمَرِّ «الخفيف»

وَأَيْنَ الشَّرِيكِ فِي الْمَرِّ أَيْنَا

وَالَّذِي إِنْ شَهِدْتَ زَانِكُ فِي الْ

مَشْهَدِ، أَوْ غَبْتَ كَانَ أَدْنَا وَعَيْنَا

ذَلِكَ مِثْلُ الْحَسَامِ أَخْلَصَهُ الْ

قَيْنُ جِلَاهِ الْبَلَاءِ فَازَادَ زَيْنَا (ص ۷۰)

العطوي: ۲۲

يقولون قبل الدار جار مصادق «الطويل»

وقبل الطريق النهج أنس رفيق

فقلت: وندمان الفتى قبل كأسه

فما حثَّ كأس الحرِّ مثل صدق (ص ۷۱)

الرئيس ابو الفضل بن العميد<sup>۲۳</sup>

واخ كماء المزن يفزعه «الكامل»

للمبتغيه على الصدى تلج

متوضح الاخلاق لو غمست

فيه الليالي السود لم يدج (ص ۷۶)

فضل الشاعرة<sup>۲۴</sup>

يا من تزيت العلوم بلفظه «الكامل»

وعلا ففات مراتب الادباء

صرف الإله عن المودة بيننا

وعن الاخاء شماته الاعداء (ص ۷۷)

باب الرابع (چهارم) الانس والعرس «استيقاء مودة الاخوان

۱۸. الثعالبي، ابو منصور عبدالملك محمد بن اسماعيل، ثمار القلوب في

المصاف والمنسوب، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، دارالمعارف،

قاهره، ص ۷۹، ۸۱.

۱۹. عبيدالله بن عبدالله بن مسعود مشهور به ابو عبدالله هذلي. وي مفتي

مدينه بود و یکی از فقهای سبعة لقب گرفته است. وی در سال ۹۸ق در

مدينه درگذشته است. (زرکلی، الاهلام، ج ۴، ص ۱۹۵)

۲۰. ابواسحاق ابراهيم بن عباس بن محمد صولى، كاتب عراق در زمان

خود بود. وی در بغداد باليد و دبیر معتصم، واثق، و متوکل عباسی

بود. دیوان رسائل، کتاب المعطر، و کتاب الصبیخ از آثار اوست. دیوان وی

در قاهره (۱۹۳۷م) به طبع رسیده است. (ابوالفرج اصفهانی، الاغانی،

تحقیق علی نجدی ناصف، دار احیاء التراث العربی، بیروت،

۱۹۹۴م، ج ۱۰، ص ۲۷۱).

۲۱. بشار بن برد عقيلي، شاعر بزرگی که به زنادقه متهم شد و در سال

۱۶۷ق در بصره مدفون گشت. دیوان او با تحقیق محمد طاهر بن

عاشور استاد دانشگاه زیتونه در تونس به طبع رسیده است. شرح حال او

در الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، ج ۳، ص ۱۳۵ و الاهلام خیرالدین

زرکلی، ج ۲، ص ۵۲ آمده است.

۲۲. عطوی همان محمد بن عبدالرحمن کتانی شاعر عباسی است که در

بصره متولد شده در همان جا باليد. وی معتزلی بود. در سال ۲۵۰ق

درگذشت. الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۳، ص ۹۴ و الاهلام،

زرکلی، ج ۶، ص ۱۸۹.

۲۳. محمد بن حسین ابو الفضل بن العميد ملقب به جاحظ ثانی. وی وزیر

رکن الدوله بویه بود. وزارت او در دولت بویه میان ۲۴ سال طول

کشید. وی از بزرگان کتابت بود. ثعالبی گفته: بُدِثَ الْکِتَابِ بِعَبْدِ

الحميد و ختمت با بن الحميد (کتابت به عبدالحميد آغاز شد و به

ابن العميد ختم گردید). وی در سال ۳۶۰ق در همدان درگذشت.

الثعالبي، يتيمة الدهر، ج ۲، ص ۱۸۳؛ زرکلی، الاهلام، ج ۶، ص ۹۸.

۲۴. از بانوان بزرگ شاعر و مجلله در عهد متوکل عباسی بود. در یمانه

متولد شد. سال وفات او را در سال ۲۵۷ یا ۲۶۰ق نوشته اند.

(الاصفهانی، الاغانی، ج ۱۹، ص ۳۰۰-۳۱۴)



أنشد الاصمعی: ۳۱

لكل امریء شكل من الناس مثله «الطویل»  
وكل امریء یهوی الی من یشاكله (ص ۹۹)

باب ششم با عنوان «اتلاف القلوب وتقاربها وإن تباعدت  
الاجسام» با حدیثی از پیامبر (ص) آغاز شده است: المؤمن مألّف،  
ولاخیر فیمن لا یألّف ولا یؤلف». و اشعاری از عبیدالله بن عبدالله  
بن طاهر خزاعی (متوفی ۳۰۰ق)، ابن الدمینة (حدود ۱۳۰ق) بکر  
بن نطاح (متوفی ۱۹۲ق)، ابن میّاده (متوفی: بین ۱۳۶-۱۴۶ق)،  
عباس بن احنف (متوفی: ۱۹۲ق)، ابوعینه (متوفی: ۱۴۱ق)،  
احمد بن إسماعیل خصیب (متوفی: ۲۹۰ق) احمد بن یوسف  
عجلی (متوفی: ۲۱۳ق) و برخی دیگر آمده است: مثال  
بکر بن النطاح: ۳۲

واحتمال هفواتهم» نام دارد. (ص ۷۸)

این باب با شعری از نابغه ذبیانی شاعر بزرگ جاهلی و از  
شاعران معروف به معلقات سبع آغاز شده است  
ولست بمستبّی أخأ لا ثلمه  
علی شعث ای الرجال المهذب (طویل)  
در این باب هم چنین اشعاری از بشار بن برد، مطیع بن یاس  
کتانی (متوفی ۱۶۶ق) ابوالعتاهیه، ابوالاسود دثلی (متوفی  
۶۹هـ) میرد، ابوزید نحوی، سابق البربری ساکن رقه شاعر  
دوران عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی (متوفی ۱۰۰ق) محمد بن  
یزید المهلبی (مقتول ۱۹۶ق در اهواز)، یحیی بن معاذ رازی  
(متوفی: ۲۵۸ق در نیشابور) و... نقل شده است. مثال:  
أنشد المیرد: ۲۵

إلیس الناس علی أخلاقهم «الرمل»

لیس کل الناس یهوی ما ترید (ص ۸۵)

یزید المهلبی ۲۶

إذا ما حلیل لی جفانی بررته «الطویل»

فعلمته حق الاخاء لیعتبا (ص ۸۹)

باب پنجم: «مَنْ جعل الاخاء نسبا و المشاکلة قرابة من دون  
النسب بالاب» نام گرفته است، و با شعری از ابوتمام<sup>۲۷</sup> آغاز شده  
است:

و قلت: أخ: قالوا: أخ من قرابة «الطویل»

فقلت لهم ان الشکول أقارب

نسیان فی حزم ورأی ومذهب

وإن باعدتنا فی الاصول المناسب (ص ۹۲)

و اشعاری از دعبل خزاعی، ابونواس، علوی اصفهانی  
(متوفی ۳۲۲ق)، ابن منذر (م ۱۹۸ق) نطّاحه (مقتول: ۲۹۰ق)،  
الاعشی (شاعر جاهلی)، الأیشر [ابومعرض مغیره بن عبدالله  
اسدی] شاعر مخضرم (متوفی: ۸۰ق)، أصمعی، وولید بن  
عبید بن یحیی بختری (م: ۲۸۴ق) در آن ذکر شده است. در  
قسمتی از این بخش چنین آمده است:

«وقد قدّم الله تعالى الصديق علی القريب فی قوله: «فما لنا  
من شافعين ولا صديق حميم» والحميم: ۲۸ القريب، وقال  
النبي (ع): «الارواح جنود مجنّده، فما تعارف منها ائتلف، وما  
تناكر منها اختلف»، ۲۹ ابونواس ۳۰ این معانی را از قرآن کریم و  
حدیث نبوی گرفته و به نظم کشیده است:

إن القلوب لأحباد مجنّدة «البیسط»

لله فی الارض بالاهواء تعترف

فما تعارف منها، فهو مؤتلف

وما تناكر منها، فهو مختلف (ص ۹۴)

۲۵. میرد همان ابوالعباس محمد بن یزید الازدی، استاد ادبیات عرب در  
بغداد در زمان خود بود. در بصره متولد شد و در بغداد به سال ۲۸۶ق

وفات یافت. از کتساب های او الکامل در لغت و ادب، الفاضل،  
المقتضب، و التعازی و المراثی است. اول بار مازنی به خاطر  
حاضر جوابی و دقت نظر او را میرد خوانده و گفته «م فانت المیرد، آی  
المیث للحق. (یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۵، ص ۴۸۰)

۲۶. ابو خالد یزید بن محمد بن مهلب بن مغیره، شاعر مشهور عهد متوکل  
عباسی که در قصیده ای او را مدح گفته است. وی اهل بصره بود و در  
سال ۲۵۹ق در بغداد وفات یافت. (زرکلی، الاحلام، ج ۸، ص ۱۸۷)

۲۷. ابوتمام، همان حبیب بن اوس بن حارث طائی، شاعر عهد عباسی که در  
قریه جاسم در حوران زاده شد. سپس به مصر هجرت کرد و از آن جا به بغداد  
و سرانجام به موصل سفر کرد. در موصل در سال ۲۳۱ق درگذشت.

۲۸. سوره شعرا، آیه ۱۰۰-۱۰۱.

۲۹. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۳۱. (حدیث شماره ۲۶۳۸)

۳۰. حسن بن هانی «مشهور به ابونواس شاعر بزرگ عراق در عصر خود  
بود. در اهواز متولد شد و در بصره بالید و به بغداد و دمشق و مصر سفر  
کرد و سرانجام به بغداد بازگشت و در سال ۱۹۸ق در آن جا درگذشت.  
جا حظ به علم و فصاحت او گواهی داده است. خمیریات او بیش تر  
باعث شهرت او شده است. دیوان شعر ابونواس با تحقیق احمد  
عبدالمجید غزالی در قاهره ۱۹۵۳م به چاپ رسیده است. دو بیت  
مذکور در دیوان مطبوع او نیست. ابن قتیبه دینوری، الشعر و الشعراء،  
تحقیق مفید قمیسه و نعیم زر زور، طبع دوم دارالکتب العلمیه،  
بیروت، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۸۰-۷۱۱.

۳۱. ابوسعید عبدالملک بن قریب أصمعی استاد لغت و نحو و اخبار، اهل  
بصره بود در سال ۱۲۲ یا ۱۲۳ق متولد شد در ایام حکومت هارون الرشید  
به بغداد رفت و در سال ۲۱۶ق وفات یافت. (أصمعی، ابوسعید،  
الاصمعیات، تحقیق احمد محمد شاکر، و عبدالسلام هارون، طبع  
پنجم، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۷۹م، ص ۱۱-۱۲.

۳۲. ابوانثل بکر بن نطاح شاعر غزلسرای اهل یمامه، وی در زمان هارون الرشید  
به بغداد آمد و در خدمت ابی دلف عجلی درآمد. و در همان جا در سال  
۱۹۲ق وفات یافت. زرکلی، الاحلام، ج ۲، ص ۷۱.

فقد معرفی کتاب «الأخس والنسب» ابوسعید

بَعَثْتُ إِلَيْكَ نَصَائِحِي وَمَوَدَّتِي  
قَبْلَ اللَّقَاءِ وَتَشَاهَدُ الْأَرْوَاحَ  
وَعَلَى الْقُلُوبِ مِنَ الْقُلُوبِ دَلَائِلُ  
بِالْوُدِّ قَبْلَ تَشَاهُدِ الْأَشْبَاحِ (ص ۱۰)  
(الكامل)

باب هفتم: «الاقتصاد في المحبة والبغض» (ص ۱۰۷) با  
روایتی که حضرت علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده  
آغاز شده است: «أحبب حبيبيك هوناً ما يكون بغيبك يوماً  
ما. وأبغض بغيبك هوناً ما يكون حبيبيك يوماً ما» ۳۳  
(ص ۱۰۷)

در این باب هم اشعاری از مبرد، ابوالاسود، عباس بن  
احنف و عبدالملک بن عبدالرحیم حارثی (متوفی ۱۹۰ق) و  
نامه منظوم سعید بن سلیمان مساحقی به عمرو بن عبدالرحمن  
عامری و همچنین کلامی از عمر بن خطاب نقل شده است  
(ص ۱۰۸). این اشعار از دعبل خزاعی در باب دهم کتاب  
زیباست:

صديقك حين تستغني كثير  
وما لك عند فركك من صديق  
فلا تغضب علي احدا اذا ما  
طوى عنك الزيارة عند ضيف  
(الوافر)

باب یازدهم با عنوان «مَنْ تَسَلَىٰ عَنْ إِخْوَانِهِ الْمُتَخَيَّرِينَ لَهُ أَوْ  
جَازَاهُمْ عَنْ أَعْمَالِهِمُ الذَّمِيمَةَ أَوْ تَرَبَّصَ بِهِمُ الدَّوَائِرَ» نام دارد و  
فصلی طولانی است. (ص ۱۵۲-۱۷۶)  
این شعر از ابن عروس (محمد بن محمد بن عروس شیرازی)  
متوفی ۲۸۰ق است:

ساغسلُ منك يدي اللتين  
ملأتهما بك من ريح عاد  
فلا باكيا لفراق عليك  
ولا لابساً فيك ثوب حداد  
فما فيك للخير من مُستفاد  
ولا فيك للشر من مُستزاد (ص ۱۷۰)  
(مقارب)

و این یکی از ابوالحسن منصور بن اسماعیل بن عمر تمیمی  
مصری شافعی شاعر و فقیه متوفی سال ۳۰۶ق است:

لانا سَفَنَ عَلِيَّ خَلَّ تَفَارِنَهُ  
إِنَّ الْأَقَاصِي قَدْ تَدَنُو وَتَأْتَلَفُ  
مَا إِنْ فَقَدْتُ وَلَا صَارَمْتُ مِنْ أَحَدٍ  
الْأَقْيَاضِ لِي مِنْ بَعْدِهِ خَلْفُ

في الناس مبتدل والارض واسعة  
فيها مجال لذى لب ومنصرف (ص ۱۷۴)  
(البيسط)

باب سیزدهم با عنوان «مَنْ كَرِهَ مَوَالَاةَ عَدُوِّ الصَّدِيقِ»  
(ص ۱۷۹) روایتی را از ابن مقفع (ابوعمر و عبدالله روزبه بن دازویه)  
دربردارد. «إِذَا رَأَيْتَ» (رأيت صديقك مع عدوك فلاتسى به  
الظن ... الخ) ص ۱۸۰  
و این شعر از مبرد:

عدو صديقي داخل في عدواتي  
ولست لمن عادى الصديق ودواً (ص ۱۸۰)  
(الطويل)

که ناظر است به کلام زیبای حضرت علی (ع) «اصدقائك  
ثلاثه واعدائك ثلاثه: واما اصدقائك صديقك، و صديق  
صديقك و عدو عدوك، واما اعدائك، عدوك، و عدو صديقك  
و صديق عدوك. یعنی دوستان تو سه کس و دشمنان تو نیز سه  
کس هستند: اما دوستانت: دوست تو و دوست دوست تو، و  
دشمن دشمن تو. اما دشمنانت: دشمن تو، دشمن دوست تو و  
دوست دشمن تو است.

و این شعر را آوی از شاعری بدون ذکر نام او نقل کرده است:  
عدوك من عادى صديقك صدره  
ومن هو والقاليك مؤتلفان (ص ۱۷۹)

و این دو بیت از ابوالشیص (محمد بن عبدالله بن زریق  
الخزاعی):

أنا أمحض المودة مني  
كل ذي حيلة على شفيق  
من أرى أنه عدو عدوي  
واری أنه صديق صديقي (ص ۱۸۲)  
(الخفيف)

باب شانزدهم «اغیاب الزیارة» نام دارد. آوی گفته: شریف ترین  
کلام در این باره قول پیامبر (ص) یا معصوم (ع) است که گفت:  
«زُرْغَبًا تَزِدُّ حُبًّا» یعنی دیدار کم تر کن و محبت افزون گردان. و  
نیز این گفته پیامبر (ص) که «إِذَا زُرْتُ الصَّدِيقَ فَزِرْهُ غَيْبًا» هنگامی  
که دوستی را دیدار می کنی [دفعات] را کم تر کن. (ص ۲۰۴) و  
این اشعار را نقل کرده است:

وأقلل زور من تهواه تزدد  
إذا ما زرته ثقة وحباً (ص ۲۰۴)  
(الوافر)

۳۳. من احادیث الرسول (ص)، تحقیق ابراهیم محمود صنوبر، ص ۴۲.



و این شعر از ابوتمام:

وطول مقام المرء فی الحی مخلق

لدیبا جتیه فاعترب تتجدد

فأنتی رأیت الشمس زیدت محبه

الی الناس أن لیست علیهم بسرمد (ص ۲۰۵)

(الطویل)

به نظر می رسد همین مطالب و اشعار، مورد نظر سعدی شیرازی در آفرینش این حکایت از گلستان باشد: «بوهریره - رضی الله عنه - هر روز به خدمت مصطفی - صلی الله علیه - آمدی. گفت: یا ابانهریره زرنی غیباً تزدد حبباً: هر روز میا تا محبت زیاده شود. صاحبدلی را گفتند: بدین خوبی که آفتابست، نشینده ایم که کس او را دوست گرفته است و عشق آورده. گفت: برای آن که هر روزی توان دید مگر در زمستان که محجوب است و محبوب»<sup>۳۴</sup>

و این شعر از ابوالعتاهیه: ۳۵

أنتی کثرت علیه فی زیارته

وَأَسَىءَ عِنْدَهُ مَمْلُوقٌ إِذَا كَثُرَا

وَرَأَيْتُ مِنْهُ أَنْتَى لَا أَزَالُ أُرَى

فِي طَرَفِهِ قَصْرًا عَنِّي إِذَا نَظَرَا (ص ۲۰۵)

(البسیط)

باب سی و چهارم که آخرین فصل الانس و العرس است «عیادة الاحیاب و العشاق» نام دارد (ص ۴۴۱). در این باب اشعاری از عبد بنی حسحاس شاعر مخضرم (مقتول: ۴۰ق)، عبدالملک بن عبدالرحیم حارثی (متوفی: ۱۹۰ق)، مؤمل بن امیل بن اسید محاریبی (شاعر مخضرم دو دولت اموی و عباسی متوفی: ۱۹۰ق)، عباس بن احنف، ابن ابی امیه (معاصر ابی العتاهیه)، صاحب بن عباد، جمیل بن عبدالله بن معمر غدیری، ابوعلی حمدونی، مهلبی وزیر، ابوطامه سعد المری الحاجب، و ابوفراس الحمدانی (حدود ۳۵۱ق) نقل شده است. ابوفراس همان کسی است که صاحب بن عباد درباره او گفته «بُدئ الشعر بملک و ختم لملک یعنی امرأ القیس و ابافراس الحمدانی»<sup>۳۶</sup>

این ابیات او آخرین عبارات الانس و العرس است:

أبوفراس:

وقد احتزرت أبالعلاء فلا تثل

و اکتب بخطک ماتقول مینا

هوَن علیک فللیالی هبة

تدع الذی استصعبت منها هیئا

جهد الفقیه لان یلفق عذرة

فوجدته عنها عیباً ألكسنا (ص ۴۴۷)

(الکامل)

مطالب خواندنی و بدیع در الانس و العرس فراوان است و مجال مقاله اندک. سیر عمیق تر در مطالب کتاب را به فرصت دیگری موکول می کنیم.

تصحیح ایفلین فرید یارد، تصحیحی است دقیق، علمی و موشکافانه. پاره ای از غلط های چاپی در کتاب راه یافته است که از ارزش تحقیق او نمی کاهد. پاره ای از این غلط های چاپی در غلطنامه (=تصویب) آخر کتاب تصحیح شده است، اما پاره ای هنوز برجای مانده است: مانند العانی (ص ۱۸) که المعانی صحیح است. بنی نبویه (ص ۱۱) که بنی بویه صحیح است. هُم (ص ۶۱) در شعر عبدالله بن مسعود که بایستی هُم باشد. الی در ص ۱۰۰ (سطر ۲۱) شعر اصمعی که باید الی باشد، و یَعْطُ در ص ۱۸۵ سطر ۳ که یَعْطُ صحیح است. فیرکب در صفحه ۲۶۷، سطر ۷ که فیرکب صحیح است. و پاره ای اشتباهات در ارجاع ها: مثلاً شرح حال احمد بن اسماعیل خطیب به قطعه ۶۵ ارجاع داده شده که بایستی ۵۶ باشد (ص ۱۰۴). در صفحه ۱۰۷ عدد ارجاع به اشتباه بر روی کلمه «أنشد» قرار گرفته که بایستی بر روی «تعذر» باشد. در صفحه ۲۸۳ ارجاع شماره ۲ به قطعه ۲۷۹ داده شده که صحیح نیست و بایستی ۲۷۳ باشد.

این اشتباهات کوچک از ارزش کار بزرگ و سترگ محقق در احیای چنین کتاب بزرگی نمی کاهد و ان شاء الله در چاپ های بعد تصحیح خواهد شد. توفیق محقق محترم و اولیای انتشارات دارالنمیر دمشق را در ادامه خدمات بزرگ علمی و فرهنگی از خداوند بزرگ خواهانیم. واللهم من وراء القصد.



۳۴. گلستان سعدی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی

علیشاه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۰، ص ۱۹۹.

۳۵. ابوالعتاهیه همان اسماعیل بن قاسم بن سويد عینی عنزی است. شاعر عهد عباسی است. ولادت او در کوفه در سال ۱۳۰ق و وفات او در سال ۲۱۱ق است. وی به زهد، وعظ و حکمت شناخته شده است. دیوان او به تحقیق شکری فیصل در دمشق، ۱۹۶۵م به چاپ رسیده است.

۳۶. دیوان ابی فراس حمدانی، طبع دار صادر، بیروت؛ زرکلی، الاعلام،

ج ۲، ص ۱۵۵.

\* وزن شعر در همه جا به وسیله محقق کتاب ذکر شده است.